

بسم الله الرحمن الرحيم

تحلیل قانون نظامی در میندانائوی فلپین توسط دوترتی، هدف قرار دادن مسلمانان مورو در این کشور می باشد

(ترجمه)



رودریگو دوترتی رییس جمهور فلپین به تاریخ ۲۳ می ۲۰۱۷م قانون نظامی را در شهر ماراوی، ولایت میندانائو یک روز پس از محاصره مرگبار ماراوی که داعش مسوولیت آن را به عهده گرفت، اعلام کرد. ماراوی یک شهر عمدتاً مسلمان نشین است که دارای ۲صد هزار نفر نفوس و جایی که مسلمانان مورو از قرن ها بدین سو در آن بود و باش دارند.

به تاریخ ۱۰ ماه جون سال روان روزنامه رپلر گزارش داد که حقوق دانان در شهر لاناو دل سور فلپین خشم شدید شان را در رابطه به سوء استفاده از قانون نظامی ادعا شده در مورد بازجویی های غیر قانونی و متشنج توسط اردو، پولیس و دیگر سازمان های مجری قانون در ماراوی که باعث زیان و ضرر مالی و گرفتاری افراد ملکی بی گناه شده است ابراز داشتند. این جنگ منجر به کشته شدن تعداد زیادی و موجب بحران انسانی درین کشور گردیده است. به گفته دولت فلپین اضافه تر از ۳۳۰ هزار نفر مجبور به فرار از خانه های شان گردیده اند. در حال حاضر تعداد زیاد مسلمانان مهاجر مورو از بحران غذایی رنج می برند. حدود ۴۷۵ فامیل برای یک ماه به ساختمان های دولتی فرار کردند و بر علاوه حدود ۱ هزار فامیل دیگر همراهی خویشاوندان شان در شهرهای نزدیک زنده گی می کنند که نیازمند کمک های غذایی هستند.

مسلمانان مورو در جزایر سولو و میندانائو در جنوب فلپین سکونت دارند که از لحاظ جیوپولیتیک بسیار استراتژیک می باشد؛ طوری که مسیر برای کشتی رانی جهانی، تجارت جهانی و منافع نظامی می باشد. این موقعیت با چنین مشخصات واضحاً توجه زیادی را جلب نموده است. بعضی از طرف ها و جریان ها می خواهند مداخله کنند و این امر با لفاظی های ضد اسلامی تحریک گردید که یک نوع مشروعیت برای منافع غرب گردیده تا در منطقه دخالت نماید. برای درک این که چه اتفاقی در منطقه صورت می گیرد ضرور است تا دو جنبه را مورد تحلیل و بررسی عمیق قرار دهیم:

نخست: ما باید تاریخ را بفهمیم چون مناقشه دراز مدت در فلپین جنوبی ریشه در رقابت بین اسلام و عیسویت در جنوب شرق آسیا بعد از قرن ۱۳ دارد. در گذشته میندانائو حکومت شاهی مستقل بود، بعداً در اواخر قرن ۱۳ تاجران مسلمان در منطقه آمدند، از آن زمان اسلام به شکل خوب توسعه یافته است و در اواخر قرن ۱۴ حکمرانی اسلامی در میندانائو ایجاد گردید. سولو هم چنان مجمع جزایر واقع در قسمت جنوبی فلپین می باشد. این شهر یک مسیر تجارته بود و در قرن ۱۵ یکی از قوت های سیاسی گردید. مانند میندانائو اسلام در مجمع جزایر سولو از طریق عبور اعراب از مناطق مالاکا، بورنئو و فلپین داخل گردیده و توسعه یافت.

زمانی که هسپانوی ها در مناطق میندانائو و سولو در سال ۱۵۶۵ جایگزین شدند، آن ها در مدت ۳۵۰سال با سلطنت اسلامی در جنگ و درگیری بودند. با وجود آن هم هسپانیه هیچ گاهی در حکمرانی بر سلطنت اسلامی پیروز نگردید. بعد از آن که هسپانیه در جنگ دوم جهانی در مقابل ایالات متحده امریکا شکست خورد، در سال ۱۸۹۸م فلپین به

ایالات متحده امریکا تسلیم داده شد. منطقه میندائو و سولو که هرگز توسط هسپانیه کنترل نگردیده بود هم چنان به امریکا تسلیم داده شد. مردم مسلمان آن جا در مقابل اشغال امریکا شورش کردند و بلاخره در ۲۰ اگست سال ۱۸۹۹م سلطان سولو یک توافق نامه صلح را با امریکا به امضا رسانید. مگر بعداً در سال ۱۹۰۲م امریکا ولایت مورو را ایجاد کرد که شامل میندائو و سولو می باشد. از آن زمان به بعد سرزمین فلیپین جنوبی مستقیماً توسط مانیلا کنترل می گردید. و بعد تا حال مانند دیگر کشورهای غیر اسلامی، مسلمانان مورو تبعیض شدید را تجربه می کنند. در مقایسه با دیگر شهروندان غیر مسلمان، آن ها در زنده گی شان بسیار عقب مانده اند. این به خاطر این است که دولت فلیپین آن ها را منحیت شورشی می شمارد. در حالی که این منطقه بسیار حاصل خیز و از لحاظ منابع طبیعی غنی می باشد و دولت فلیپین مسلمانان را از حاکمیت در سرزمین خود شان و مدیریت ثروت شان ممنوع و محروم قرار داده است.

دوم: ما باید ضمیمه ساختن گروه های جنایت کار تحت نام اسلام را رد کنیم. جرم دانستن مبارزه مسلمانان علیه ظلم و ستم چیز جدید نیست که توسط غرب تحت لفاظی ضد تروریسم انجام می گیرد. گروه های چون ابوسیف و جبهه آزادی ملی مورو، برای مدت طولانی مقصر دانسته شده و برچسب تروریست زده شده اند و به تازه گی گروه های به اصطلاح الهام گرفته از داعش، قانون نظامی غیرانسانی را علیه ۳۳۰ هزار مسلمان مورو قانونی ساخته اند.

باوجود پیچیده گی مبارزه مسلمانان مورو برای سرکشی محلی، امت مسلمه نیاز به ایستاده گی دارند. ما باید به وضاحت تمام ضمیمه ساختن اعمال جنایت به اسلام را رد کنیم بخاطری که خشونت، جنایت و دیگر اعمال جنایتکارانه در اسلام ممنوع قرار داده شده است. علاوه بر این امت مسلمه باید به نکوهش قانون نظامی ضد تروریسم منحیت راه حل برای ماراوی ادامه دهند، بخاطری که این در واقع نیرنگ برای هدف قرار دادن مسلمانان و ترویج اسلام هراسی می باشد. واضحاً در این بحران ماراوی این مسلمانان مورو هستند که قربانی عمده قرار گرفته اند نه دیگران و اگر ما در سیاق وسیع تر ببینیم، این دقیقاً یکسان است که مسلمانان همیشه قربانی تقریباً پروژه های جهانی ضد تروریسم گردیده اند.

نویسنده: فیکا کومارا

عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۶ شوال ۱۴۳۸ هـ.ق

۳۰ جون ۲۰۱۷ م

منبع: مجله الرایه/ شماره ۱۳۶